

غزل شماره ۶۹

کس نیست که افتاده آن زلفِ دوتا نیست
در رگِ دُرِ کیست که دامی ز بلا نیست

چون چشم تو دل می برد از گوشه نشینان
همراه تو بودن کُن از جانب ما نیست

روی تو مگر آینه لطفِ الهیست
حقا که چنین است و در این روی و ریا نیست

نرکس طلبد شیوه چشم تو، زهی چشم
مسکین خبرش از سرو، در دیده حیا نیست

از بهر خدا زلف پیرای که ما را
شب نیست که صد عربه بباد صبا نیست

باز آیی که بی روی تو ای شمع دل افروز
در بزم حریفان، اثر نور و صفا نیست

تیمار غریبان اثر ذکر جمیل است
جاناکر این قاعده در شهر شما نیست؟

دی می‌شد و کتم صما عهد به جای آر
کفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست

کر پیرمغان مرشد من شد چه تفاوت
در بیچ سری نیست که سری ز خدا نیست

عاشق چه کند گر نکشد بارِ ملامت
با بیچ دلاور پیر تیر قضا نیست

در صومعه زاهد و در خلوت صوفی
جز گوشه ابروی تو محراب دعا نیست

تفسیر فال

دارید خودتان را خسته می‌کنید و در واقع هیچ کاری از پیش نمی‌برید. هر چه شما در فکر وصال یار هستید، او به‌طور مداوم در حال فرار است و این موضوع تنها باعث آزار بیشتر شما خواهد شد. بنابراین، لازم است که خودتان را از این وضعیت رها کنید و پافشاری‌تان بر روی این موضوع بی‌فایده است. قسمت اینگونه بوده و ممکن است برای شما درس‌های بزرگی به همراه داشته باشد. به جای ادامه دادن به این غصه‌ها، دست به دعا بردارید و با توسل به قرآن کریم، مرادتان را از حق تعالی بخواهید. دعا کردن می‌تواند آرامش خاطر بیشتری برای شما به ارمغان آورد و کمک کند تا با دیدی بازتر با مسائل زندگی مواجه شوید. ان‌شاءالله که خیر در آن نهفته است و شاید بهترین‌ها در انتظار شما باشد، حتی اگر اکنون نتوانید آن را ببینید.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)